



دو یادداشت از نسخه‌های خطی

*
محسن جعفری مذهب

(کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)

مَرکب بودن مُرکب سازان

در پایان قرآنی که در سال ۱۳۸۲ برای کتابخانه ملی خریداری شد، کاتب موارد جالبی را توضیح داده است: کتاب را میرزا محمد منشی کتابت کرده و در ثلث اول آن در گذشته است. میرزا کریم، پسر او سعی کرده تا کار پدر را به انجام رساند.

کاغذ ثلث اول، فرنگی و ته‌نقش (واترمارک) دار است اما کاغذهای ثلث دوم و سوم از لحاظ جنس نامرغوبتر. تا نیمهٔ سورهٔ شعرا، ترجمه با رنگ قرمز به خط نستعلیق آمده و سپس ترک شده است. از آنجا که این انجامه مسائل مهمی را در خود دارد متن آن را عیناً - ولی با رسم الخط امروزی - نقل می‌کنیم:

الحمد لله رب العالمین. یوم سه‌شنبه پانزدهم شهر رمضان المبارک از تسوید و تسطیر این کلام مجید ربانی، با تفضّل و عنایت صمدانی، فراغت و اسکانی حاصل آمد.

راقم غریق بحر گناه و امیدوار کرم نامتناهی حضرت اله، میرزا کریم خلف مرحوم میرزا محمد منشی، از جهت متعلّم نشدن به خط نسخ، که کلام الله و دعوات و اوراد با آن خط متداول و مرقوم است، با فرض شوق و کثرت ذوق، به تحریر آنها از قوه به وضوح نمی‌انجامید. چونکه مرحوم ابوی چند جزء از قرآن مجید ربانی نوشته بود، تأسف آمد که آن اجزاء بی مصرف مانده و به اتمام نرسد. همت به عمل آورده و داعی توفیق حضرت سبحانی شده، با عدم خط نسخ، مبتدی به ناقص فرقانی گردیده، چنانکه از خط اجزاء اولی حقیر معلوم است بد خط و بی ضابطه ملاحظه شد به آنها ملتفت نشده و تمامی و اختتام کلام الله را منظور داشته، لیل و نهار سعی بلیغ کرده، فی الجمله خوشی خط نسخ و قواعد تحریر او را بدست آورده، لله الحمد به انجام رسانیده و عن قلبی با خدا نذر نموده‌ام که مادام العمر، همه اوقات مشغول نوشتن قرآن بوده تغافل نورزیده باشم که بلکه در آخرت مأجور و مثوب شده، نجاتی از عذاب پروردگار عالم یافته باشم. و این مسئله را از خدای یگانه، آن دارم که تا اتمام آن، حقیر را قبض روح ننماید که از وارث‌های کمترین، کسی صاحب خط نسخ نمی‌باشد که ناقص او را نوشته، از قراری که مخلص تمام نمودم او نیز تمام کند.

اما شکایت کلی از بدی کاغذ و قلمتراش خصوصاً از مرکب روسیاه دارم و جدّ و جهد کرده، از هر جا و هر کس مرکب گرفته نوشتم روسفیدی نرساند و از خطوط قرآن معلوم است که مرکب چگونه بداصل و نامربوط [بود]. و در مرکب اصل سیاهی مطلوبست و از مرکب بودن مُرکب سازان این ایام، سیاهی او را تبدیل به سفیدی کرده‌اند.

باری با هر وضع به اتمام رسید و به بدخطی و سایر کسور او ایراد نگیرند، و هرگاه خواننده‌ها لایق دانند و ایراد را به کنار بگذارند در حین قراءت و فراغت از ختم، این مذنب را به رحمت و غفران یادکنند و غلط او را تصحیح سازند. از جهت بودن در بیلاق در درهٔ زنجیرلو به اتمام رسید فی سنة ۱۲۶۳.

* دکترای تاریخ.

آداب تعویذ نویسی کاتبان

در یکی از نسخه‌های خطی طلسمات و تعاویذ که به سال ۱۳۸۲ برای کتابخانه ملی خریداری شد دو نکته در آداب تعویذ نویسی یافتیم که شاید ذکر آن برای خوانندگان مفید باشد.

۱. در باب قلم تراشیدن و قط زدن

بدین ترکیب است: اگر به جهت دشمنی نویسد، قلم را شق به دندان زند، رو به سوی آسمان کند، وقت قط زدن در جای خالی بنشیند و سر برهنه کند و سخن نکند و قلم را به دندان بشکند و به جانب خانه موری اندازد و پشت به آفتاب کند و پاهای خود را بلند کند؛ زبانش ستاره زحل باشد و صد و شش مرتبه ستاره زحل را یاد کند. و اگر در باب محبت و شیرین شدن باشد، در روی آفتاب بنشیند و رو به آفتاب کند و قدری نبات به دهن گیرد و سر برهنه کند و بندهای خود را بگشاید و سخنان بد نگوید و ستاره زهره را یازده مرتبه یاد کند و قطع قلم نماید و نوک قلم را در میان تعویذ گذارد تا قدرت الله تعالی مشاهده نماید.

۲. در باب روزهای تعویذ نویسی

- تعویذ نوشتن زنان: شنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه.
- تعویذ نوشتن مردان: یکشنبه، دوشنبه، روز جمعه.
- اگر به جهت دوستی تعویذ نویسد، در بام بلند یا در صحرا باشد.
- اگر جهت دشمنی باشد، در خانه تاریک تعویذ نویسد.
- جهت عقد الرّجال، در گورستان باشد.
- جهت زبان بند، زیر درختان باشد و با کسی سخن نگوید.
- جهت خواب [اصل: خاب] بندی، یک چشم برهم نهد.
- در باب قلم تراشیدن، اگر از برای دوستی است به دست راست تراشد و سر قلم را به سوی خود کند.
- اگر از برای دشمنی است به دست چپ تراشد. قلم دوستی را دشمنی نشاید نوشت.
- چون قلم تراش بر سر قلم نهد، بگوید: قَطَعْتُ الْقَلَمَ لِاجْلِ مَحَبَّةِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ عَلِيَّ قَلْبِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ طَهُوسٍ طَلَاغْسَلِينَ.
- چون شقّ قلم زند، بگوید: شَقَّتُ الْقَلَمَ لِاجْلِ، مَحَبَّةِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ طَهُوسٍ طَلَاغْسَلِينَ.
- اگر از برای مرد باشد، در وقت نوشتن چشم حروف بر کند.
- چون از برای دشمنی نویسد، بگوید: الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ بَيْنَ النَّاسِ.
- چون خواب بند نویسد، بگوید: ﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾
- و اگر از برای زبان بند نویسد، بگوید: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾.
- اگر از برای دوستی است، بگوید: وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي.
- بعد از آن در دایره نشیند و زیر جامه را از یک پا بیرون کند و آن روز با کسی جنگ و ماجرا نکند. باید دانست که خاکی به آبی بسازد و آتشی به بادی بسازد و اگر خلاف این عمل کند، آتشی را به آبی و خاکی را به بادی کند ناموافق افتد، تعویذ اجابت نشود و مفید نباشد و سود ندارد.
- اما باید تعویذ نویسی از مَرْبَعٍ و مَحْمَسٍ و مَثَلَّثٍ تسلط داشته باشد و الا تعویذ نتواند نوشت.